

امام خامنه‌ای به حق‌الیقین رسیدند



سیدعطاء... مهاجرانی

یادداشت



شهرت‌آیند

زندگی ایشان پرتوانداخته بود. این جلوه را در خرداد سال ۱۳۶۸، هنگامی که به عنوان رهبر انقلاب و رهبر جمهوری اسلامی انتخاب شده بودند، بار دیگر با روشنایی تمام دیدم.

با هیئت دولت به اتفاق نخست‌وزیر وقت، شبانه به دفتر آیت‌... خامنه‌ای در ریاست جمهوری رفتیم. یک روز از انتخاب ایشان گذشته بود. در همان نگاه نخست احساس کردم ایشان با وقار و طمأنینه دیگری ظاهر شده‌اند. با جمع ما به گرمی احوال‌پرسی کردند. نگاهشان را به زمین انداختند. سرشان را پایین گرفته بودند. گفتند: «این مسئولیت بار سنگینی است که بر من شانه من نهاده‌اند. شانه‌های نحیف من تحمل چنین باری را نداشت. به لطف و عنایت خداوند باور دارم. خداوند متعال فرموده است: یا یحیی خذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم: ۱۲)

پیدا بود این آیه قرآن مجید تکیه‌گاه اندیشه و باور آیت‌... خامنه‌ای بود. ایشان در جلسه خبرگان با صراحت و حتی با انکار در برابر پیشنهاد رهبری ایستاده بودند، اما وقتی بار مسئولیت و عهد را بر دوششان نهادند، با توکل به خداوند و با قوت مسئولیت را پذیرفتند. این گرایش، یعنی از پنجره و زاویه قرآن مجید به مسائل و وظایف نگرستن، برای آیت‌... خامنه‌ای تبدیل به ملکه شده بود.

در سخت‌ترین وضعیت ایشان به آیات قرآنی تمسک می‌کردند. به تحقق آیات ایمان و امید داشتند. می‌دانستند آرمانشان با ایمان و امید با عبور از دریا‌های آکنده از طوفان به ساحل نجات می‌رسد، که رسید.

درباره سید شهیدان، امام خامنه‌ای، بایست بسیار نوشت. برای من که نخستین دیدار و خاطره‌ام از

اشارات و لطایف و دقایق دارد. روایت، این دسته‌بندی چهارگانه را تبیین کرده بود: انسان‌های معمولی با عبارت آشنا می‌شوند، انسان‌های اهل دانش اشارات را می‌یابند، اولیای خداوند لطایف را درک می‌کنند و انبیا به دقایق می‌رسند.

در ذهنم بود که این پله‌های نردبان شناخت و فهم قرآن مجید ممکن است به گونه‌ای تفسیر شود که انسان فهم پیامبرانه پیدا کند.

پس از سخنرانی آیت‌... خامنه‌ای حلقه‌ای در اطراف ایشان تشکیل شد. ایشان متوجه شدند که دوست دانشجوییم و من چهره‌های تازه هستیم. با ما گرم احوال‌پرسی کردند. گفتیم از اصفهان آمده‌ایم و دانشجو هستیم. به روایت امام صادق (ع) اشاره کردم. «چشم جهان بین جهان ظاهر و الفاظ قرآن را می‌بیند و دیده جان بین لطایف و دقایق را.» با لطف بسیار توجه و تشویق کردند. پرسیدند روایت را کجا دیده‌اید؟ گفتم در تفسیر عیاشی در کتابخانه مسجد گوهرشاد.

صبح‌ها تا ظهر به انجام می‌روم. آن آشنایی و آن لذت حضور و عطر تفسیر قرآن و آن بیت حافظ برای همیشه در ذهنم باقی ماند. هر وقت سخنان یا نوشته‌های آیت‌... خامنه‌ای را می‌دیدم، در کمیسیون دفاع مجلس اول که مجال گفت‌وگو فراهم می‌شد و خطبه‌های نماز جمعه تهران، همیشه همان نگین آیات قرآنی با لطافت و تبیینی که ویژه ایشان بود، در ذهنم پل می‌زد تا آن سخنرانی نخست آشنایی. به این استنتاج رسیده بودم که آیت‌... خامنه‌ای سبک و سلوکی قرآنی دارند.

اگر بخواهم مهم‌ترین جنبه تشخیص ایشان و گوهر سعه و جودی ایشان را تفسیر کنم، همین نکته است. با قرآن مجید زندگی می‌کردند. آیات بر ذهن و زبان و

از دوستان دانشجوی مشهدی ذکر خیر آیت‌... خامنه‌ای را شنیده بودم. در تابستان سال ۱۳۵۳ برای زیارت به مشهد مقدس رفته بودیم. به مسجدی که آیت‌... خامنه‌ای سخنرانی می‌کردند، رفتیم. ماه رمضان بود. ما هم نیت ده‌روزه کرده بودیم. سخنرانی پس از نماز ظهر بود.

آیت‌... خامنه‌ای سی و پنج ساله بودند. ایستاده سخنرانی می‌کردند. درست مانند سخنرانی‌های همیشه ایشان، برگه‌های یادداشت در دستشان بود. درباره مرکزیت قرآن مجید در اندیشه اسلامی سخن گفتند.

تبیین ریشه نام قرآن، اشاره به «قرأ» و «قرن» قرآن به عنوان کتاب خواندنی یا کتابی جمع‌آوری شده یا کتابی که اجزا و آیات آن با هم هماهنگی و هارمونی دارد. اشاره کردند که ما سه‌گونه قرآن می‌خوانیم: یا با قرآن مواجه می‌شویم. خواندن ظاهری آیات و نسبت با ظاهر و الفاظ آیات. دوم، خواندن با تدبیر و تعمق و تعقل در آیات. و سوم خواندن با قلب خویش.

قرآن در این وجه سوم با روح و روان ما آمیخته می‌شود. این بیت حافظ را به عنوان شاهد ذکر کردند:

دیدن روی تو را دیده‌ام جان بین باید / این کجا مرتبه چشم جهان بین من است

ما با چشم ظاهر جهان را می‌بینیم، اما با دیده جان بین جان جهان را نگاه می‌کنیم. به تقابل و نسبت «چشم» و «دیده» و «جهان» و «جان» اشاره کردند.

من در همان سفر جلد نخست تفسیر عیاشی را در کتابخانه مسجد گوهرشاد دیده بودم؛ جلد سخت صورتی با عطف نخودی‌رنگ.

از امام صادق (ع) روایت شده بود که قرآن عبارات و